

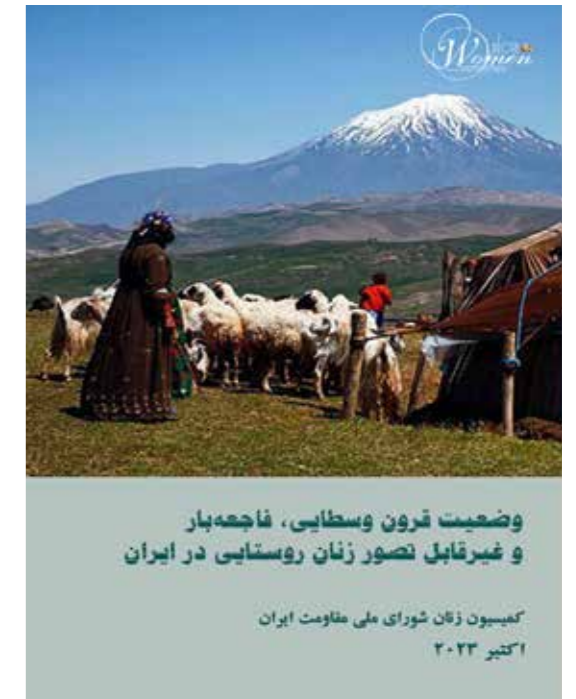


## وضعیت قرون وسطایی، فاجعه‌بار و غیرقابل تصور زنان روستایی در ایران

کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران

اکتبر ۲۰۲۳

۱۸	تحصیل	۲	مقدمه
۲۰	کودک همسری	۴	فقرای شاغل
۲۲	کلام آخر	۸	آب و مسکن
		۱۴	کرونا و بهداشت



حق طبع و انتشار محفوظ و متعلق به کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران می باشد.  
چاپ و انتشار این گزارش و یا بخش هایی از آن با اجازه قبلی و یا ذکر منبع مجاز است.  
از انتشارات کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران - اکتبر ۲۰۲۳

ISBN: 978-2-35822-005-7

## وضعیت زنان روستایی در ایران یک وضعیت قرون وسطایی، فاجعه‌بار و غیرقابل تصور!

سازمان ملل متحد از سال ۲۰۰۸، ۱۵ اکتبر برابر با ۲۳ مهر را با هدف برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در مناطق روستایی، روز جهانی زنان روستایی نامگذاری کرده است.

زنان روستایی نقش مهمی در امحاء گرسنگی و فقر ایفا می‌کنند چرا که تقریباً ۴۲ درصد زنان روستایی دست‌اندرکار بخش کشاورزی هستند. اکثر زنان روستایی نیروی کار کشاورزی را تشکیل می‌دهند و به دامداری نیز کمک بسیاری می‌کنند. روز ۱۵ اکتبر به نام زنان روستایی نامگذاری شده تا نسبت به نقش آنها که به طور عام نادیده گرفته می‌شود و مورد قدردانی قرار نمی‌گیرد، آگاهی ایجاد بشود.

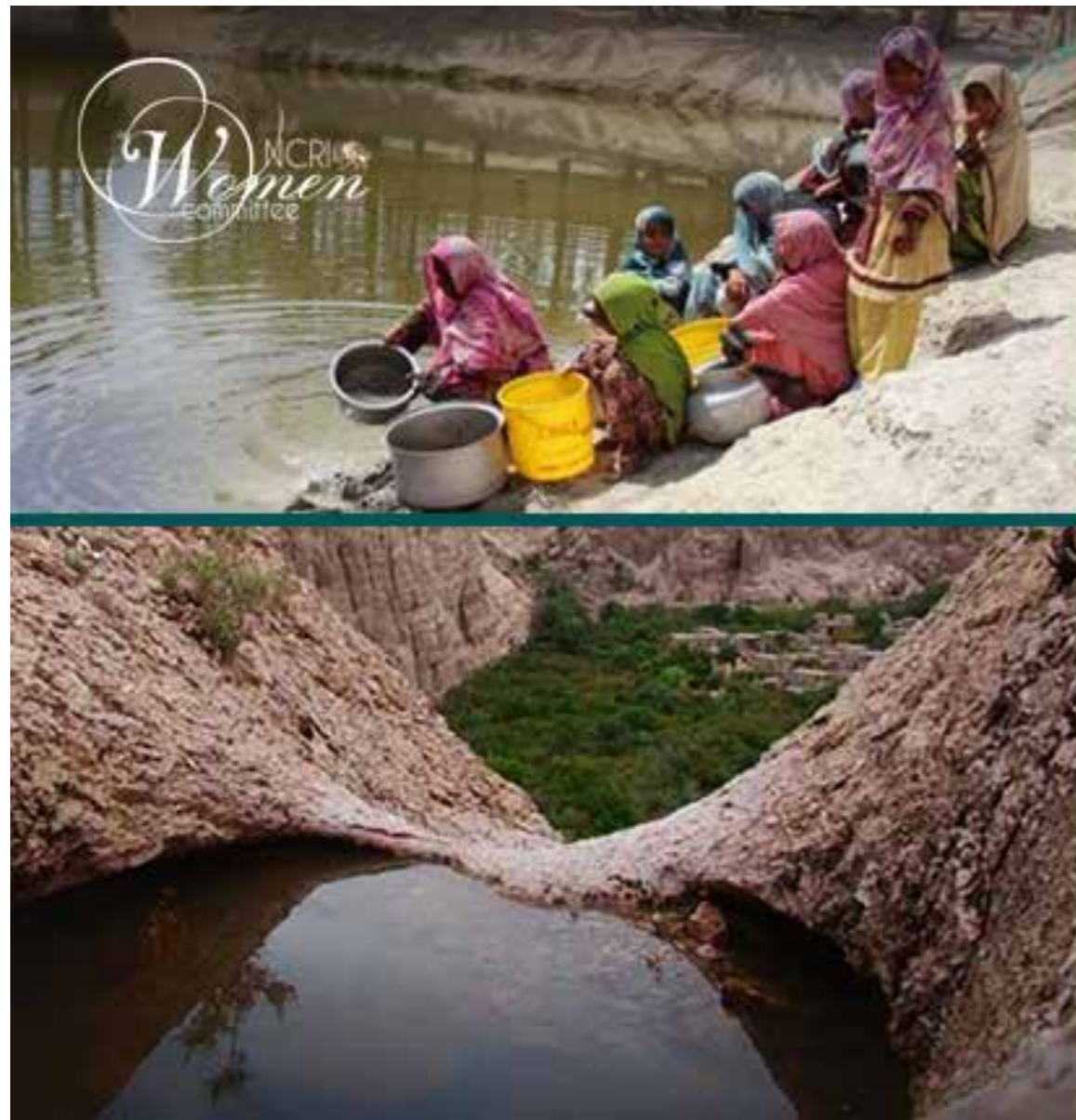
از این رو ۱۵ اکتبر فرصتی برای پرداختن به وضعیت دختران و زنان روستایی در ایران و حمایت از آنها و نیز تأکید بر اهمیت نقش این زنان زحمتکش است. زنان روستایی همواره با داشتن نقشی فعال در تولید کشاورزی، دامی و همچنین صنایع دستی از ارکان مهم اقتصادی بوده‌اند. این فعالیت‌ها با وجود اهمیت بالا، عموماً بدون حقوق و دستمزد است و اهمیت در اقتصاد و اجتماع نادیده گرفته می‌شود.

هم‌اکنون روست که وضعیت زنان روستایی در ایران بسیار فاجعه‌بار و قرین فقر، رنج و یک زندگی برده‌وار است. زنانی که چالشهایی چون ازدواج زودرس، محرومیت از تحصیل، خشونت‌های خانگی، فقر دانش حقوقی و اجتماعی، فقر بهداشت، ورشکستگی آبی، کولبری و دهها مشکل دیگر راه را برای توسعه و حداقل خلایق بر آنها بسته است.

همچنین فرهنگ حکومتی مردسالار و فرهنگ



مدیریت مبتنی بر ریش‌سپیدی در روستاها، امکان مشارکت اجتماعی زنان را محدود کرده است. یک زن «خوب» در ساختار جامعه روستایی زنی است که در چارچوب خانواده بتواند همه مشقتها را تحمل کرده، خوب کار کند، به همه خدمت کند و با فرسایش جسم و روح خود، انسجام خانواده را حفظ نماید. علاوه بر همه این معضلات، سیاست بی‌عملی رژیم وضعیت زنان روستایی در ایران را به مراتب دشوارتر و بسیار آسیب‌پذیرتر ساخته است. در گزارش حاضر به برخی جنبه‌های این وضعیت از سال ۱۳۹۹ تا سال ۱۴۰۲ می‌پردازیم.



## فقرای شاغل و مولدانی بی حقوق

هر جنبشی که بخواهد رفاه اجتماعی و نظم اقتصادی را توسعه دهد، ناگزیر از توجه و همکاری با زنان روستایی است چرا که نیمی از نیروی کار فعال در اقتصاد روستاها را زنان تشکیل می دهند. زنان روستایی و عشایری بخش مهمی از نیروی کار حذف شده از جریان اقتصادند. ارزش کار زنان روستایی در ایران نه تنها از کار مردان کمتر نیست، بلکه در بسیاری موارد بیشتر است، اما عایدی این زنان چیزی نزدیک به صفر است تا جایی که می توان آنها را فقرای شاغل و مولدان بی حقوق نامید. این زنان به دلیل زیرساختهای مردسالارانه و متحجرانه در یک رژیم استبدادی و زن ستیز، نابرابری جنسیتی بیش از حد تصور را با پیامدهای آسیب زایش تجربه می کنند.

### اشتغال زنان روستایی به زبان آمار

مقایسه سهم اشتغال مردان و زنان نشان داده سهم زنان در بخش های خدمات و کشاورزی بیشتر از مردان و در بخش صنعت کمتر از آنهاست. از هر ۱۰۰ نفر زن شاغل در ایران، تقریباً ۵۳ نفر در بخش خدمات، ۲۶ نفر در بخش صنعت و ۲۰ نفر در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند. زمان کار روزانه زنان روستایی بین ۱۵ تا ۱۶ ساعت کار یکنواخت و سنگین است که در نتیجه فرسودگی زیاد به همراه دارد.

از ۱۰ میلیون جمعیت زنان روستایی که بالغ بر ۱۲.۴ درصد جمعیت ایرانند، ۶ میلیون نفر زیر ۱۸ سال هستند. این زنان و دختران نقش برجسته ای در تحکیم بنیان خانواده و تولید محصولات کشاورزی و امنیت غذای کشور دارند. بیش از ۷۰ درصد فعالیتهای مربوط به دام و طیور کشور بر عهده زنان روستایی و عشایری

است و ۴۰ درصد فعالیت های زراعتی و باغبانی و بیش از ۸۰ درصد تولیدات محصولات کشاورزی به روش سنتی توسط زنان روستایی انجام می شود.<sup>۱</sup> طبق آمار مرکز مطالعات و برنامه ریزی اقتصاد کشاورزی، در استانهای بوشهر و هرمزگان ۵۰ درصد نیروی کاشت، ۶۰ درصد نیروی داشت و ۶۵ درصد نیروی برداشت، زنان هستند.

آنها در دامداری نیز نقش اصلی را ایفا می کنند. به طوری که حدود ۶۳ درصد نیروی کار مراقبت از دامها در گیلان و مازندران به عهده زنان است.<sup>۲</sup>

همت باقرزاده، مدیرعامل اتحادیه تعاون روستایی آذربایجان غربی ضمن ابراز تأسف از آمار پایین تعداد زنان روستایی شاغل در سطح استان گفت: «شاید از ۱۰۰۰ زن ۴ نفر مشغول فعالیت اقتصادی هستند و دارای شغلی اند که منبع درآمد داشته باشند».<sup>۳</sup> لازم به ذکر است تعداد زیادی از زنان روستایی که علاوه بر خانه داری در کشاورزی، دامداری و دامپروری مشارکت دارند، در آمار رژیم، خانه دار و نه شاغل اعلام شده اند. یک استعمار و نادیدگی بسیار عیان و آشکار!

### وابستگی و نداشتن امنیت شغلی، موانع توسعه صنایع دستی

نداشتن درآمد مستقل زنان روستایی را به مردان وابسته می کند و قدرت تصمیم گیری، انتخاب و مشارکت در امور مختلف را از آنها می گیرد. این زنان اغلب در مشاغل غیررسمی پاره وقت، فصلی یا خانگی با درآمد پایین اشتغال دارند و به ندرت دارای قرارداد کاری هستند. آنها در نبود امنیت شغلی همواره در التهاب از

## چند آمار در زمینه اشتغال زنان روستایی



### از هر ۱۰۰ نفر زن شاغل در ایران

بازارها مجبورند این نخ یا محصولات دیگرشان را به یک سوم قیمت به واسطه ها بفروشند. واسطه ها زنان روستایی و عشایر را استعمار می کنند»<sup>۴</sup>

با وجود توانمندی صنایع دستی دختران روستاهای «دیشموک» بیشتر آنان به دلیل عدم حمایت، در خانه می مانند و افسرده می شوند. حال آنکه اگر مشاغل آنان مورد حمایت دولت قرار گیرد به عنوان یک زن شاغل در جامعه اقتصادی نقش مفید خواهند داشت. توانمندسازی زنان با صرف هزینه های اندک البته ممکن است اما متأسفانه به دلیل وجود رژیمی ضد مردمی و زن ستیز هیچگونه اقدامی در این راستا صورت نگرفته و نمی گیرد.

دست دادن شغلشان هستند و از حقوق زمان بارداری محرومند.

طبق تحقیقات محلی، بزرگترین موانع توسعه صنایع دستی زنان روستایی عدم حمایت دولت، نبود زیرساخت های اقتصادی لازم برای فروش محصولات، کوتاه مدت بودن درآمد حاصل از فروش، کمبود منابع آموزشی برای زنان روستایی و عشایری و در دسترس نبودن مواد اولیه است.

پریچهر سلطانی، دبیر کارگروه زنان روستایی عشایر و مناطق محروم معاونت زنان و خانواده رژیم، گفت: «به طور کلی برای صنایع دستی زنان عشایر هیچ اقدامی صورت نگرفته و هیچ برنامه ای برای صنایع دستی زنان عشایر وجود ندارد. به عنوان مثال ۷۰-۶۰ هزار تومان ارزش حداقلی هر کیلو نخ است که زنان عشایر با پیلی می ریسند، اما به دلیل عدم دسترسی به

## تبعیض جنسیتی و حقوق نابرابر

وضعیت زنان روستایی در ایران با نابرابری حقوق زن با مرد و تبعیض عجیب است. کشاورزان زن در حالیکه به اندازه هم‌تایان مرد خود مولدند اما کمتر به زمین، اعتبار، نهاده‌های کشاورزی، بازارها و زنجیره‌های تأمین با ارزش بالا دسترسی دارند؛ محصولاتشان با قیمت کمتری به فروش می‌رسد؛ بابت زحمت خود یا دستمزد کمتری می‌گیرند، یا اصلاً مزدی نمی‌گیرند و فقط جای خواب و غذایشان تأمین می‌شود. زنان روستایی نیروی کار هستند اما حذف شده از جریان اقتصاد! آنها پس از مرگ همسر یا پدر، توانایی تولیدی را از دست می‌دهند. در بخش‌های کارگری روزمزد و اغلب فصلی، زنان روستایی شاغلند در حالیکه تقریباً هیچ زنی در بخش کلان تولید دخالت نداشته و محیط کاملاً مردانه است. همچنین در بخش کشاورزی، تعداد بسیار کمی از زنان مالک منابع و زمین و کشاورزی مستقل هستند و معمولاً در بخش خانگی فعالیت دارند. زنان روستایی نسبت به مردان از فرصت‌های آموزشی کمتر برخوردار هستند و این امر سبب دور ماندن آنها از بازار کار و فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. این در حالی است که تجربه کم نظیر زنان روستایی در بعضی بخش‌های تولیدی که نشان از توانمندی آنان دارد نادیده گرفته می‌شود.

## نادیده گرفتن کار زنان روستایی و اخراج از کار

در سایه سیاستهای ضد مردمی و زن‌ستیزانه رژیم، شکاف‌های تبعیض جنسیتی عمیقی بر وضعیت زنان روستایی در ایران وارد شده است. اولین کسانی که در روستاها از کار اخراج می‌شوند، زنانند و تنوع شغلی برای آنها محدود است.

اگرچه زنان در پیچیده‌ترین کارهای فنی و حتی سخت‌ترین کارهای کشاورزی و دامداری قادرند همپای مردان کار کنند، اما در مناسبات بازار نقشی ندارند. نقش زنان روستایی در اقتصاد خانواده بیشتر در فرآوری و فروش محدود محصولات خلاصه می‌شود و دادوستد، کاری مردانه تلقی می‌شود.

حدود ۴۵ درصد زنان روستایی و عشایر حقوق خود را به شخصه دریافت نمی‌کنند، ۶۳ درصدشان اجازه

خرج کردن به طور مستقل را ندارند. به این ترتیب فعالیت‌های این زنان منجر به تولید درآمد مستقل برایشان نمی‌شود!

شیرین بانو رضایی از اهالی روستای کله‌جوب سیروان گفت: «زحمت و تلاش زنان بیشتر از مردان است زیرا ما علاوه بر کارهای کشاورزی باید در خانه‌داری، تربیت فرزندان، تهیه مواد مصرفی و نیز تولید انواع مواد پروتئینی و لبنیات هم فعالیت کنیم. تلاش زیاد زنان روستا به چشم نمی‌آید و تنها افراد در صورتی متوجه این زحمات می‌شوند که زن روستا بمیرد و مریض شود و کارها لنگ بماند.»<sup>۵</sup>

## یک زندگی برده وار، سهم زنان روستایی

وضعیت زنان روستایی در ایران فاجعه‌بار است. در روستاها، بیشتر بار زندگی را زنان بر دوش می‌کشند. آنها علاوه بر اینکه بار اصلی کارهای کشاورزی و اقتصاد روستایی را بر دوش دارند همه کارهای مربوط به خانواده و خانه را نیز انجام می‌دهند. زنان روستایی ایران با انجام بی‌جیره و مواجب کارهایی از قبیل نگهداری و مراقبت از دام و طیور، تهیه هیزم، آوردن آب، رسیدگی به چادرها و محل زندگی، قالی بافی، تولید شیر و ماست، پخت نان، شیردوشی، نظافت خانه، پخت و پز، شستشوی لباس افراد خانواده، بچه داری و... زندگی بسیار سخت و برده‌واری را تجربه می‌کنند. بسیاری از آنان ساعت کارشان قبل از طلوع آفتاب شروع می‌شود و آخرین نفری هستند که به رختخواب می‌روند.

## وضعیت زنان در مناطق روستایی مختلف

طاقت فرسا بودن وضعیت زنان روستایی در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور لرستان حکایت مشترک مناطق روستایی این استان است. جایی که کیفیت و امکانات زندگی و مسکن، بهداشت و آموزش در سطح پایین‌تری قرار دارد. تولید و نگهداری کاملاً سنتی و در نبود امکانات مکانیزه در این مناطق با حداقل سرمایه‌گذاری صورت می‌پذیرد. زندگی زنان روستایی در روستاهای شهرستان الیگودرز در دو منطقه پیش‌کوه و پشت‌کوه بسا دشوار است. تابستان و آفتاب داغش، دسترسی به منابع آب و علف برای دامپروری را برای روستاییان دشوار می‌سازد. آنها با کوچ به دامنه کوهستان خانه‌های عمدتاً گلی و سنگی را ترک کرده و در سیاه چادرهایی که حاصل دسترنج زنان کوه‌های سر به فلک کشیده زاگرس است ساکن می‌شوند. داستان روستاییان زن در بخش ذلقی الیگودرز حکایتی از جنس نداشته‌های اولیه زیستن است که حتی تصور

داشتنش را ندارند. فرسنگها راه خاکی و کوهستانی با پیچ‌های خطرناک، پراکندگی جغرافیایی، نبود سرپناه مناسب، کمبود آب آشامیدنی سالم، بهداشت پایین، سوء تغذیه، تکیه به دامپروری سنتی و فرآوری محصولات لبنی، پخت نان و تأمین غذای حداقل، بار سنگینی بر دوش زنان روستاهای ذلقی الیگودرز است.



● ۶۳٪ زنان روستایی و عشایر اجازه خرج کردن حقوق به طور مستقل را ندارند.

● حدود ۴۵٪ زنان روستایی و عشایر حقوق خود را به شخصه دریافت نمی‌کنند.



# ورشکستگی آبی سیستماتیک، عامل ظهور کار شاق کولبری آب

سیاستهای ناکارآمد رژیم در آمیخته با بحران کم آبی در روستاها، وضعیت زنان روستایی در ایران را در خط مقدم آسیب پذیری قرار داده است. طبق آمارهای رسمی و کارشناسی بیش از ۳۰۰ شهر ایران از خوزستان تا سیستان و بلوچستان دچار ورشکستگی آبی و ۱۷۰۰ روستای استان اردبیل دچار کمبود آب هستند.<sup>۶</sup>

روستاهای استانهای ایلام، کرمان و آذربایجان غربی نیز از بی آبی در امان نماندند. بنا به اعتراف رضا اردکانیان، وزیر نیرو در اوایل تیر ۱۴۰۰، نیمی از جمعیت روستاهای کشور از آب سالم برخوردار نیستند و به کولبری آب مشغولند.

بنا به اعلام شرکت آب و فاضلاب کشور، بیش از ۲۸۲ شهر ایران در وضعیت تنش آبی قرار دارند و ۱۰۱ شهر نیز از این نظر در وضعیت قرمز به سر می‌برند.<sup>۷</sup> مجتبی یوسفی عضو مجلس رژیم در اهواز اذعان کرد، مردم ۸۰۰ روستای خوزستان به رغم نزدیکی به ۵ سد بزرگ و ۷ رودخانه به آب شرب پایدار دسترسی ندارند.<sup>۸</sup>

وزارت نیروی رژیم اعلام کرد: «حدود ۳ هزار روستا با جمعیت جمعا ۷۰ هزار نفر در سیستان و بلوچستان لوله کشی آب ندارند.» به گفته وزارت نیرو، آب‌رسانی روستاها سهمیه رایگان دارد اما در واقعیت تا نکر کفاف آب آشامیدنی را نمی‌دهد. بهای هر تانکر ۱۲ هزار لیتری بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان است که با توجه به فقر مردم، تأمین هزینه آن برای بسیاری اهالی مقدور نیست. از این رو زنان و دخترکان روستایی برای تأمین آب با کار شاق کولبری مواجهند. وظیفه روزانه کولبری آب، جابه‌جایی آب برای

مصرف روزانه در ظروف سنگین و بعضاً مسافت‌های طولانی و ناهموار است که آسیب‌های جسمی و روانی متعددی برای زنان به همراه دارد. زنان روستایی در سرما و گرما مجبورند از چشمه و رودخانه آب تهیه کنند.

## فرسودگی مفرط جسمی زنان روستایی

بهای نوشیدن جرعه‌ای آب، قربانی شدن زنان و دختران و فرسایش جسم و جان آنهاست. اما آیا این یک تصویر عادی و یک رنج پذیرفته شده است؟! سیستان و بلوچستان در حوزه آب، فاصله معناداری با محروم‌ترین نقاط کشور دارد. عدم دسترسی به آب پایدار و پاکیزه برای زنان یعنی محدودیت در شستشوی فردی روزانه و حتی هفتگی در فضولی خاص. این محدودیتها به ویژه به دلیل جنسیت مسئله ساز می‌شود و بیماریهای خاص جسمی و به ویژه بیماریهای خاص زنان، یائسگی‌های زودرس و پیری زود هنگام در روستاها ایجاد می‌کند که البته آمار رسمی از آنها در دست نیست.

در سیستان و بلوچستان، دختران و زنان با داشتن انواع بیماریها بایستی روزانه چند بار آب بیاورند. حمل ظروف سنگین آب در گرمای ۵۰ درجه تابستان و سرمای زمستان و مسافت‌های طولانی، آنها را دچار انواع دردهای ارتوپدی، شکستن مهره‌های ستون فقرات و سقط جنین می‌کند. «پریناز» که از فرط آرتروز شدید رمقی برایش نمانده، گفت: «نبود آب بهداشتی در حالت عادی موجب بروز عفونت‌های زیادی در زنان منطقه ما می‌شود. حمل دبه‌های سنگین آب دردهای مفصلی را هم به دردهای دیگرمان اضافه کرده است.»<sup>۹</sup>



نیمی از جمعیت روستاهای کشور از آب سالم برخوردار نیستند و زنان به کولبری آب مشغولند.

حدود ۳۰۰۰ روستا با جمعیت جمعا ۷۰۰ هزار نفر در سیستان و بلوچستان لوله‌کشی آب ندارند.

۱۷۰۰ روستای استان اردبیل دچار کمبود آب هستند.

بهای هر تانکر ۱۲ هزار لیتری بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان است.

## هوتک‌ها جان دخترکان روستایی را تهدید می‌کنند!

وضعیت زنان روستایی در ایران در شرایط خشکسالی به لحاظ تعدد روزهای کولبری آب وخیم‌تر می‌شود. در زمانی که علم و تکنولوژی، جهان را متحول کرده زنان سیستان و بلوچستان برای تأمین آب شرب، از گودالهای آبگیر به نام هوتک آب می‌آورند که از آب باران پر می‌شود و منبع مشترک برای استفاده انسان و دام است.

اهالی روستای امامیه در منطقه رودبار، چاره‌ای جز استفاده از آب آلوده هوتک‌ها برای آشامیدن و مصارف روزانه ندارند.

دختران روستای گرم بیت مانند بسیاری از روستائیان جنوب بلوچستان ناچارند که برای تأمین آب خانه های کپری شان، دو کیلومتر را زیر آفتاب تا نزدیکترین هوتک، پیاده طی کنند و یا از آب آلوده هوتک‌ها

تا ۱۰ روز آب نداریم و حتی برای مصارف دامهایمان باید از چشمه آب بیاوریم.» سعادت با انتقاد از عضو مجلس از باغملک گفت: «۴ سال پیش او به منزلمان آمد و به ما قول داد که مشکل آب روستاهای رود زیر بخش صیدون را برطرف خواهد کرد ولی در طول این ۴ سال کوچکترین قدمی برای رفع مشکل آب منطقه برنداشت. شرایطمان در روزهای بارانی بسیار سخت میشه، چون مجبوریم زیر بارش شدید باران از مسیر کوهستانی سر تا پا خیس آب شویم تا آب بیاوریم. مسئولان بهتر است به جای این حرف‌ها مخزن آب برای روستا تهیه کنند. اگر مهمان سرزده به منزلمان بیاید آب به مقدار دم کردن چای هم نداریم و شرمنده می‌شویم.»<sup>۱۱</sup>

در کهگیلویه و بویراحمد از داشتن شبکه آب شرب سالم محروم هستند.<sup>۱۷</sup>

سلمان بینا، عضو شورای شهر دیشموک در استان کهگیلویه و بویراحمد گفت: «زنان روستایی برای تهیه آب شرب مجبورند چند کیلومتر پای پیاده برای تهیه آب طی کنند که موقع بازگشت دیگر رمقی برای کارهای منزل برایشان باقی نمی ماند.»<sup>۱۸</sup>

زنان روستای سرتنگ فالج در همسایگی ایذه برای تأمین آب شرب مشقت بسیار می کشند. یک زن روستایی گفت: «پر کردن ۴ بشکه حداقل ۵ ساعت زمان می برد و من هر روز مجبورم وقتم را برای تأمین آب بچه ها و همچنین احشام بگذارم.»<sup>۱۹</sup>

بنا به گفته مهتا بذرافکن، پژوهشگر حوزه آب، خراسان جنوبی یکی از استانهایی است که نزدیک به ۳ هزار روستای آن به خاطر فقر آب تخلیه شده و به حاشیه شهرها مهاجرت کرده اند.»<sup>۲۰</sup>

کمبود آب و خشکسالی در روستاهای دهستان جوشق در شهرستان دلیجان در استان مرکزی موجب کاهش فعالیت های کشاورزی و تک محصولی شدن آنها شده است. با کاهش فعالیت های کشاورزی، خشک شدن درختان و... مشارکت زنان در گل چینی فصلی (خرداد و تیرماه) به ساعاتی محدود می شود. زنی ۶۷ ساله گفت: «الان هیچ چیز نداریم. از وقتی آب مزرعه خشک شده همیشه با آن زراعت کرد، فقط چند تا کرت گل داریم.»

وضعیت دامداری نیز خوب نیست. یک زن مطلقه



بار نداده. کم خونی، زخم معده، درد کلیه بیشتر مال ماست.»<sup>۱۴</sup>

ساکنان روستاهای جزیره، سلخ و گامبرون در قشم ۳ ماه بدون آب ماندند.

خانم گورانی مدیر مدرسه ابتدایی روستای «سلخ» گفت: «الان ۳ ماهه هیچ آبی نیامده. برای زنان دو روستا آب باران مانده در آب انبار قدیمی مطلوب تر است.»<sup>۱۵</sup>

آب مورد نیاز اهالی روستای آبعلی با الاغ و یا کولبری زنان و دختران روستا با دبه های ۲۰ لیتری تأمین می شود. گوهرمرده، گلگه و سیلاب از روستاهایی هستند که آب شرب لوله کشی ندارند.<sup>۱۶</sup>

روستاهای گورچین قلعه ارومیه، آبعلی سفلی، ده بید، ده قنات و پاچات چریون از توابع شهرستان مارگون

هویشه، یک زن روستایی گفت: «برای کودکان ما کولبری آب یک بازی شده. اما وقتی آب تمام می شود دیگر بازی هم معنا ندارد. قلب مادرها ریش می شود وقتی دست های پینه بسته شان را می بینند. کسی جای ما نباشد ما را نمی فهمد.»<sup>۱۲</sup>

روستای علی آباد دمق، از روستاهای دهستان ترک شرقی بخش جوکار ملایر در مجاورت سه رودخانه آب آشامیدنی ندارد و زنان و کودکان از کولبری آب، کمرشان شکسته است.<sup>۱۳</sup>

در روستای خرگوشی شهرستان سیریک در هرمزگان، زنان و کودکان با آب کولر حمام می کنند. زنان با لباس بلند و نقاب در حالیکه با سختی زیاد آب حمل می کنند، می گویند: «از بی آبی دامهایمان را فروخته ایم، کشاورزی نداریم. امسال درخت نخل هم

### فقر، عامل افزایش رنج کولبری آب در روستاها

سوء تغذیه ناشی از فقر، رنج کولبری آب برای زنان و کودکان در مناطق محروم را بیشتر می کند. گل بانو زنی که از ۵ تا ۴۰ سالگی، به آب آوری مشغول است کمردرد و پادرد ناشی از کولبری را کمترین چیزی می داند که نصیبشان می شود. یکی از اهالی روستای سرکوست بخش بنت نیک شهر گفت: «ما هیچ نداریم. از یک طرف برای یک قرص نان می دویم و از یک طرف برای آب. صدایمان به گوش کسی نمی رسد. پشتمان خمیده شد.» در روستاهای مارگون و دهدشت کهگیلویه و بویراحمد زنان باردار به کولبری آب مشغولند. دست زنان و کودکان از فرط کار پینه بسته است.

۲۵ ساله گفت: «شاید بشه گفت در خانوارهای روستای بهار سه تا خانواده هستند که دام دارند و تنها سه تا خانم به کار رسیدگی دام‌ها مشغولند.»<sup>۲۱</sup>

### گلوه، پاسخ رژیم به تشنگان خوزستان

استان خوزستان با ۱۳ سد و پروژه‌های انتقال آب در حالیکه بیشتر روستاهای آن در مجاورت سدها قرار دارند دچار ورشکستگی آبی شد.

بیش از ۶۵ خانوار در روستای برآفتاب سادات موسوی شهرستان ایذه از نعمت آب آشامیدنی محرومند.<sup>۲۲</sup> عطش آب، به خیزش و اعتراض گسترده در تیرماه ۱۴۰۰ در شهرهای خوزستان کشیده شد. مردم به مدت ۱۴ روز به خیابانها آمدند که البته پاسخشان از جانب حکومت، گلوه بود. نیروهای سرکوبگر جان دست کم ۱۳ تن را با شلیک مستقیم گلوه گرفتند. رژیم از آنجایی که توان حل خواسته‌ها و مطالبات بر حق مردم را ندارد، یا وعده‌های توخالی می‌دهد و یا با سرکوب و خشونت پاسخ می‌دهد.

هر چند که معاون دادستان کشور ۲۰ روز پس از سرکوب گسترده اعتراف کرد: «در خصوص تأمین آب شرب، متأسفانه اقدام مؤثری در سال‌های گذشته صورت نگرفته است. این در حالی است که بودجه‌های قابل توجهی به این پروژه‌ها اختصاص داده شده اما براساس بررسی‌های صورت گرفته، اعمال مجرمانه صورت گرفته است.»

۴۲ سال غارت منابع آبی ایران و ساختن تعداد زیادی سد غیرکارشناسی توسط سپاه پاسداران برای درآمدزایی، آن هم به‌بهای نابودی حوضه‌های آبی مهم کشور، مانند دریاچه ارومیه و تالابهای گاوخونی، پریشان، بختگان و... از علل این بحران است.

### نداشتن مسکن و سرپناه، تاوان فقر زنان روستایی

شدت فقر در مناطق روستایی تا آنجا پیش رفته که برخی حتی سرپناه و مسکن ندارند. جیران خانم زن سرپرست خانوار ۲۰ سال پیش همسر خود را بر اثر بیماری سرطان از دست داد. او پس از همسرش با وجود تنگدستی شدید یک تنه بار تأمین معاش و سرپرستی ۵ فرزند و مادر پیرش را به دوش

کشیده و سالهاست با فرزندانش بیرون از روستای سیوند مرودشت فارس زندگی می‌کند. او هنوز برای در امان ماندن از سرما و گرما خانه‌ای ندارد.

فریده از روستاهای «دیشموک» از توابع دهدشت در استان کهگیلویه و بویراحمد گفت: «من از خدا فقط یک خانه می‌خواهم. من هیچی ندارم، فقط دو تا مرغ دارم. همین یک ماه پیش نه برنج داشتم نه گوشت که بدهم بچه‌ام بخورد.»<sup>۲۳</sup>

### غارت سیستماتیک و فقر، عامل اصلی خودکشی و خودسوزی زنان روستایی

در رژیم آخوندی چپاول نهادینه شده است. این رژیم با غارت سرمایه‌های ایران و سرازیر کردن آن به جیب‌های گشاد سران، مهره‌ها و مزدورانش، نان و آب را از سفره مردم و به ویژه روستائیان محروم ربوده است. در نتیجه با گسترش فقر و بدبختی، شاهد خودکشی و خودسوزیهای تکانه‌دهنده در بین زنان روستایی هستیم.



### یک خودکشی تکانه‌دهنده در چابهار

در یک اقدام کم‌نظیر معین‌الدین سعیدی، عضو مجلس رژیم از چابهار در جلسه کمیسیون عمران به خبر ۴ سال پیش «خودکشی یک زن پس از تن‌فروشی او برای تأمین آب آشامیدنی برای فرزندش» اشاره و اعتراف کرد: «با دیدن چنین اتفاقاتی، افرادی چون من باید از فرط شرم بمیریم.»<sup>۲۴</sup>

تا سال ۹۸ غیر از یک روانشناس، کسی پایش را به روستای «شرونک رونک»، در یک ساعتی دیشموک از توابع دهدشت در استان کهگیلویه و بویراحمد نگذاشته بود.

تنها در یک منطقه کوچک به نام دیشموک در استان کهگیلویه و بویر احمد طی شش ماه اول سال ۹۸، یازده دختر بچه خودسوزی کردند. منطقه دیشموک دارای معدن نترات است. اما به دلیل سیاستهای ضد مردمی رژیم، محرومیت، فقر و بیکاری در این منطقه فاجعه‌بار است و به تناسب جمعیت، رتبه اول خودکشی و خودسوزی در ایران را دارد.

امام جمعه دیشموک گفت: «از یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان اعتبار پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در کهگیلویه و بویراحمد، یک ریال هم به دیشموک اختصاص نیافته است. از سال ۸۸ تا ابتدای سال ۹۹، هیچ کلاس آموزشی در این منطقه برگزار نشده و بیش از ۳ سال آموزش و پرورش، معاونت پرورشی نداشته است.»<sup>۲۵</sup>



# زنان روستایی، قربانی نابرابری در بحران کرونا



به دلیل عدم انجام واکنش‌های مناسب و ممنوعیت واکنش خارجی توسط خامنه‌ای، گسترش پاندمی کووید ۱۹ وضعیت زنان روستایی در ایران را به مراتب دشوارتر ساخته است. زنان محرومی که در شرایط نامساعد و فاجعه‌بار بدون زیرساخت‌ها و خدمات کافی در روستاها به کار و زندگی مشغولند. اغلب زنان روستایی به علت اجبار در انجام وظایف ویژه مانند نظافت خانه و خرید و شست‌وشوی وسایل و پوشاک احتمالاً آلوده به ویروس کرونا و همین‌طور نگهداری از کودکان و سالمندان و بیماران عضو خانواده، ۳۵ درصد بیشتر در معرض خطر ابتلا به ویروس قرار دارند.

مجموعه این فعالیت‌های روزانه، به کار معمول زنان در خانه و فعالیت‌هایی که آنها هرگز برایشان حقوقی دریافت نمی‌کنند، اضافه شده است.

مجید احمدی فرماندار بویراحمد در نشست ستاد مقابله با کرونا شهرستان گفت: «۲۷ درصد از مبتلایان به ویروس کرونا در شهرستان بویراحمد را زنان روستایی تشکیل می‌دهند.»<sup>۲۶</sup>

## گرانی، کاهش درآمد و گسترش بیکاری

پاندمی کرونا و سیاست‌های ضد مردمی رژیم، مراقبت‌گری در بسیاری از مکان‌ها بدون دسترسی به آب تمیز و دسترسی به خدمات بهداشتی، بدون تأمین انرژی پاک و مناسب، وضعیت زنان روستایی در ایران را به مراتب تحت تأثیر منفی قرار داده است.

زنان در روستاها مسئول مراقبت از کودکان، سالمندان و افراد مبتلا به کووید ۱۹ هستند و در این شرایط اسف‌بار بسیاری از آنها فرصت‌های مستقل اقتصادی

اندک خود را نیز از دست داده‌اند. تمامی مشاغل تحت تأثیر قرار گرفته و در این میان زنان شاغل در شغل‌های غیررسمی بیشترین آسیب را متحمل شده‌اند. علاوه بر زنان دستفروش و بخش قابل توجهی از زنان کارگر، زنان روستایی نیز به بیکاری کشیده شده‌اند. فاطمه اسماعیلی پور، مدیرعامل تعاونی صندوق خرد زنان روستایی گفت: «زنان روستا اکثراً به دامداری، پرورش گیاهان دارویی، صنایع دستی و... مشغول هستند که با شیوع ویروس کرونا به طور کامل شغل خود را از دست داده‌اند.»<sup>۲۷</sup>

روستای قاسم‌آباد رودسر نیز از سیاست‌های ضد انسانی رژیم لطمات جدی خورده است.

شهره مهرآبادی کارشناس صنایع دستی در این روستا می‌گوید: «بعد از کرونا به مرور و ماهانه قیمت مواد اولیه افزایش یافت به طوری که بعد از یک سال و نیم از ۷۰ هزار تومان به ۱۸۰ هزار تومان رسید. برای خرید از کارخانه سرمایه‌ی هنگفتی نیاز است که معمولاً زنان روستایی به شکل فردی توان خرید آن را ندارند، همین موضوع هم باعث می‌شود سود حاصله در این زمینه به یک نفر رسیده و بافنده را با توجه به زحمت و سود اندک حاصله از ادامه کار ناامید کند.»

پارچه‌بافی به ویژه در روستاهای شمال ایران عموماً توسط زنان انجام شده و یکی از منابع معیشتی آنهاست اما یکباره گردشگری در ایران دچار بحران جدی شد. این کاهش خرید را به همراه داشت و انگیزه هنرمندان را برای بافت کم کرد.

مهرآبادی در ادامه سخنانش یک پرسش بنیادین و اعتراضی را طرح می‌کند: «در عین حال پرسش اصلی ما این است که در زمان کرونا، چه کسی باید از

چادر شب‌بافی حمایت کند؟»<sup>۲۸</sup>

بحران کرونا در آمد ۱۰۰ زن تولیدکننده سفال در روستای کلپورگان سیستان و بلوچستان را به نصف کاهش داده است.

پروانه، ۳۰ ساله که از ۷ سالگی آموزش سفالگری دیده و از پنجم ابتدایی به ساخت سفال مشغول است گفت: «از زمانی که کرونا آمد، بازدیدکننده خارجی نداریم. اینترنت روستا قطع است و امکان دسترسی به شبکه‌های اجتماعی برای پاسخگویی به سؤالات ممکن نیست. هیچ حمایتی از سوی اداره میراث فرهنگی از تولیدکنندگان سفال کلپورگان صورت نمی‌گیرد؛ در حالی که روستای کلپورگان و سفال کلپورگان ثبت جهانی شده است و بودجه‌هایی که برای این روستا می‌آید هم به تولیدکنندگان نمی‌رسد. مدیر کل میراث فرهنگی هم به این روستا سر نمی‌زند تا با مشکلات تولیدکنندگان سفال آشنا شود.»<sup>۲۹</sup>

افزایش مرگ و میر، خشونت و تبعیض افزایش خشونت خانگی علیه زنان به دنبال بحران کرونا مساله‌ای جهانی است که زنان روستایی ایران از آن مستثنی نیستند. اما علاوه بر این، نیاز به شست‌وشوی با آب در دوران کرونا، ساعتی که دختران و زنان باید به آب‌آوری اختصاص دهند نیز افزایش داده و این موضوع باعث افزایش قربانیان هوتک می‌شود.

در دوران پاندمی کرونا آسیب‌پذیری زنان روستایی در خصوص زمین و منابع نیز افزایش یافته است. از آنجا که در مالکیت زمین زنان اغلب به همسرانشان وابسته‌اند، بیوه‌های کووید ۱۹ با خطر از دست دادن ارث مواجهند.

**وخامت وضعیت بهداشت و عواقب آلودگی زیست محیطی بر روی زنان روستایی**



**سوزن دوز بلوچ به گرانی مواد اولیه و عدم حمایت دولتی اعتراض دارد!**

سیستانا مهماندوست از روستای ملک حیدری در شهرستان زهک زابل در استان سیستان و بلوچستان هنرمند رشته سوزن دوزی است که آوازه هنرش جهانی شده است. او که از بنیان راه اندازی یک تعاونی برای فروش محصولات صنایع دستی روستائیان است و ۱۲ سال به این کار اشتغال دارد، می گوید: «از ۲ سال قبل تاکنون مواد اولیه گران شد و سوزن دوزها دیگر قادر به تهیه پارچه و نخ مورد نیاز برای تولیدات خود نبودند؛ چون این محصولات اصلاً در بازارها نبود. کرونا هم که آمد کارها به طور کامل تعطیل شد و بسیاری از تعاونی های صنایع دستی در سیستان و بلوچستان نتوانستند صادرات را انجام دهند یا در نمایشگاه ها شرکت کنند و تولیدات خود را بفروشند.»

مهماندوست، این هنرمند سوزن دوز سیستانی در اعتراض به این وضعیت می گوید: «نیاز به حمایت بیشتر داشتیم. وام های کرونا تنها به برخی تعلق گرفت. مواد اولیه به اندازه ای گران است که سوزن دوزان نمی توانند آنها را تهیه کنند. شرایط اقتصادی مردم طوری است که بیشتر به فکر آن هستند که بتوانند نان خود را تأمین کنند تا آنکه محصولات صنایع دستی خریداری کنند.»<sup>۳۰</sup>

**وخامت حال بهداشت و تغذیه**

آلودگی زیست محیطی تأثیر بسیار هولناکی بر سلامت زنان دارد. زنانی که در معرض آلودگی ها قرار می گیرند با خطراتی چون سقط جنین، به دنیا آوردن نوزادان معلول و نارس، انواع سرطانها و ضعف اعصاب مواجه می شوند.

مژگان سلطانی، رئیس گروه ورزش بانوان اداره کل ورزش و جوانان استان اردبیل، از رواج ناهنجاری های مربوط به گردن، شانه، ستون فقرات، لگن، زانو و پا در میان زنان روستایی این استان خبر داد و گفت زنان روستایی بیشترین ناهنجاری را در کمر و زانو دارند.<sup>۳۱</sup> پریچهر سلطانی، دبیر کار گروه زنان روستایی عشایر و مناطق محروم معاونت زنان و خانواده رژیم، گفت: «زنان عشایر خودشان باید به داد خودشان برسند چرا که مسیر محل استقرارشان تا مراکز پزشکی بسیار دور است. تغذیه مادران باردار با مشکل روبرو بوده و دسترسی آنها به امکانات بهداشتی بسیار کم است. در گذشته مواد غذایی به زنان روستایی و عشایر باردار داده می شد اما در حال حاضر این اتفاق رخ نمی دهد. در گذشته اگر یک زن ۳ سال یکبار بچه دار می شد، امروزه هر سال یک بچه به دنیا می آورند. دختران و زنان روستایی و عشایر دچار سوء تغذیه هستند. چون سالانه چکاپ نمی شوند، سرطان ها دیر تشخیص داده می شود و بیماری در بدنشان پیشرفت می کند.»<sup>۳۲</sup>

سلطانی افزود، بودجه برای طرح سونوگرافی سالانه زنان باردار و کنترل سرطان های شایع در زنان روستایی و عشایر تأیید نشده است و در ادامه گفت: «این زنان شدیداً به خدمات دندان پزشکی نیاز دارند. زنان روستا و عشایر به دلیل بارداری های زیاد و سوء تغذیه دندان هایشان خراب بوده و خدمات دندان پزشکی بسیار گران است و نمی توانند از عهده هزینه آن بربایند. زنان روستا و عشایر از حداقل امکانات ورزش نیز محرومند.»<sup>۳۳</sup>

وضعیت زنان روستایی در ایران به خصوص در استانهایی چون سیستان و بلوچستان و خوزستان به مراتب بدتر است. سرانه تخت در بیمارستان ها و درمانگاه های عمومی و تخصصی در سیستان و بلوچستان کمتر از یک تخت به ازای هر هزار نفر است. از روی این سرانه روشن است در مورد مراکز درمان ویژه زنان، مراقبت های حین و بعد از زایمان و آمار مراکز بهداشتی در مناطق روستایی چه آماری می توان انتظار داشت!

اما در کردستان و مناطق کردنشین، در اثر بیکاری گسترده، اکثریت مردم از جمله زنان و کودکان برای امرار معاش به کولبری روی آورده اند. در دوره دو ساله اخیر در بحران کرونا نه تنها به تعداد کولبران افزوده شده، بلکه همین کولبران دچار بیمار کرونا نیز می شوند و به خدمات درمانی دسترسی ندارند. به عنوان نمونه، متی عایشه ۶۵ ساله، اهل نودشه از توابع شهرستان پاوه در کرمانشاه، حدود ۲۷ سال کولبری کرده است. وی اکنون به شدت دچار بیماری ریه، تنگی نفس، کمردرد و کم شنوایی شده است. او پس از ۲۷ سال کولبری هنوز دفترچه بیمه خدمات درمانی ندارد و باید تمامی هزینه های پزشکی و درمان را آزاد پرداخت کند.

## محرومیت از تحصیل

یافته‌ها نشان می‌دهند که مقوله مرکزی در ترک تحصیل دانش‌آموزان دختر در روستاها، فقر محیطی (محیط خانوادگی و آموزشی روستا) است که تحت تأثیر عوامل متعددی مانند فقر اقتصادی، تبعیض جنسیتی، عدم بهره‌مندی از اینترنت، کمبود معلم و امکانات آموزشی، ناامنی و دوری مدارس از روستاها، حضور عشایر در مناطق صعب‌العبور و کوچ‌نشینی، ازدواج زود هنگام، بی‌سوادی والدین و اشتغال دانش‌آموز در خانه قرار دارد.

این مشکلات حل نشده بنیادین که ناشی از نبود یک حکومت مردمی است، خانواده‌های روستایی را به سمتی سوق می‌دهد که دخترانشان را در خانه نگه دارند.

### آمار بازماندگان از تحصیل

به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس رژیم ملایان، حدود یک میلیون نفر در مقاطع مختلف از تحصیل بازمانده‌اند. بنابر این گزارش «تعداد کل افراد بازمانده از تحصیل در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ برابر ۸۶۲۷۷۷ نفر است که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ با ۲۶ درصد رشد به ۹۱۱ هزار و ۲۷۲ نفر افزایش یافته است.»<sup>۳۴</sup>

به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰، تعداد ۲۷۹ هزار و ۱۹ دانش‌آموز ترک تحصیل کرده‌اند. از این تعداد ۱۶۰ هزار کودک در مقطع ابتدایی به مدرسه نرفتند.<sup>۳۵</sup> به گفته مسئولان آموزش و پرورش، جمعیت کل دانش‌آموزان در یک سال تحصیلی حدود ۱۵ میلیون و

۳۷۶ هزار نفر می‌باشد. یعنی از هر ۱۶ دانش‌آموز مقطع ابتدایی یک نفر مجبور به ترک تحصیل شده است. طبق آمار مرکز داده‌های باز ایران، این نسبت برای دختران ۱ به ۱۱ می‌باشد. در مقطع متوسطه از هر چهار دختر، یک نفر مجبور به ترک تحصیل می‌شود.<sup>۳۶</sup> با این حساب جمعیت دختران بازمانده از تحصیل ۳ تا ۴ برابر پسران و عدد بزرگی بین ۵۵۰ تا ۶۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود.

نرخ بیسوادی دختران و زنان عشایر نیز نرخ بالایی است. محمدرضا سیفی، مدیرکل آموزش عشایر وزارت آموزش و پرورش ایران ضمن گلایه از عدم همکاری سازمان پژوهش با وزارت آموزش، گفت: «استان آذربایجان غربی ۳۲ هزار دانش‌آموز عشایری دارد که به گفته مسئولان آموزش و پرورش عشایری این استان تعداد زیادی از دانش‌آموزان دختر عشایری به علت ناتوانی در خرید کتاب‌های درسی از تحصیل بازمانده و در مدرسه ثبت نام نکردند.»<sup>۳۷</sup> به گفته همین مقام حکومتی، بیش از ۵۰ درصد دانش‌آموزان دختر عشایر بعد از اتمام دوره ابتدایی ترک تحصیل می‌کنند.<sup>۳۸</sup>

### وضعیت تحصیلی دختران در روستاهای استانهای مختلف

دختران روستایی، بیشترین جمعیت بازماندگان از تحصیل در سیستان و بلوچستان را دارند. بیشتر دختران روستایی و به خصوص عشایر، پس از گذراندن پنج کلاس ابتدایی در مدارس بسیار فرسوده و خطرناک و یا چادری و کپری، امکان تحصیلشان تمام می‌شود.

زندگی در مناطق صعب‌العبور، کوچ‌نشینی بودن، سختی تهیه الزامات مدرسه، مخاطرات طبیعی همچون خطر حمله حیوانات وحشی، هراس از مزاحمت بیگانگان در مسیرهای طولانی و صعب‌العبور از جمله موانع مهم تحصیل دختران است.

وضعیت زنان روستایی در ایران در روستاهای دورافتاده خوزستان اسفبار است.

دختران این روستاها پس از مقطع ابتدایی از ادامه تحصیل محرومند. معلمی به این روستاها نمی‌آید و برای دختران امکان ندارد که هر روز چندین کیلومتر مسیر ناامن را برای رسیدن به مدرسه طی کنند.

در دهستان موگویی (استان چهار و محال بختیاری) رهاکردن تحصیل کاملاً مشهود است و بسیاری از کودکان، تنها تا ششم ابتدایی می‌توانند درس خود را ادامه دهند.

### ترک تحصیل یکی از عوامل خودکشی دختران روستای دیشموک

ترک تحصیل دختران روستای «دیشموک» از توابع کهگیلویه و بویر احمد، به خودکشی منتهی شده است. آمار میانگین، حاکی از ۶۰ خودکشی در ۴ سال اخیر بوده که ۳۵ مورد آن از جمله خودکشی یک دختر ۱۱ ساله به مرگ انجامید.

سلمان بینا، عضو شورای شهر دیشموک گفت: «خودکشی در دیشموک دلایل مختلفی دارد. فقر مالی، بیکاری، نبود خوابگاه‌های دخترانه برای دانش‌آموزان دختری که قصد ادامه تحصیل دارند، برخی از این دلایل است.»<sup>۳۹</sup>



## ازدواج زودهنگام و زایمان های مکرر

سن رسمی ازدواج در جهان ۱۸ سال است اما تحت حاکمیت رژیم ملایان در ایران، سن قانونی ازدواج دختران ۱۳ سال می باشد.

در ایران هیچ گاه قانون منع ازدواج های زودهنگام به تصویب نرسیده و همچنان شاهد هستیم آمار کودک همسری، حدود ۳۰ درصد از متوسط جهانی بالاتر است. البته آمار مرکز آمار تنها مربوط به ازدواج های ثبت شده است و بسیاری ازدواج های سنتی هرگز ثبت نمی شوند.

بنابراین ارقام منتشره را بایستی آمار حداقلی حساب کرد چرا که رژیم هیچ گاه در انتشار آمار شفاف عمل نمی کند. اما از همین حداقل نیز می توان به آسیب های جسمی و روانی ناشی از کودک همسری پی برد.

### آمار ازدواج های زودهنگام

ازدواج زودهنگام در ایران شیوع بالایی دارد و در روستاها به امری رایج تبدیل شده است. ۴۰ تا ۵۰ درصد دانش آموزان مقطع متوسطه در استان های مرزی به دلایل مختلف از جمله ازدواج ترک تحصیل می کنند.

آمار منتشره مرکز آمار ایران، خبر از ازدواج ۳۱ هزار و ۳۷۹ دختر ۱۴-۱۰ ساله در سال ۱۳۹۹ داد که در مقایسه با آمار سال ۱۳۹۸ بیانگر رشد حداقل ۱۰.۵ درصدی است. بنا بر همین آمار در هر ۲۴ ساعت ۱۰۰ ازدواج زیر ۱۵ سال در ایران واقع می شود.

براساس داده های مرکز آمار ایران، در یک سال فاصله زمستان ۱۴۰۰ تا پایان پائیز ۱۴۰۱ نیز ۲۷ هزار و ۴۴۸ دختر زیر ۱۵ سال در نقاط مختلف کشور ازدواج کرده اند.<sup>۴۰</sup>

مرکز آمار همچنین گزارش داده است که طی ۵ سال

از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱، تعداد ۱۳۱ هزار دختر زیر ۱۵ سال در ایران ازدواج کرده اند.<sup>۴۱</sup>

### وضعیت ازدواج دختران در مناطق مختلف روستایی

میانگین ۱۱ سال برای ازدواج دختران، روستای مهاجران در استان همدان را به ضرب المثلی برای ازدواج کودکان تبدیل کرده است.<sup>۴۲</sup> براساس تحقیقات در روستاهایی مانند گیلک آباد از استان آذربایجان شرقی، دختران در سن یک یا دو سالگی نامزد شده و تقریباً هیچ بچه مجردی بالای سن ۵ سال در روستا وجود نداشته است. در گیلک آباد یک نوزاد ۶ ماهه نامزد شد.<sup>۴۳</sup>

حسنلو از مردان روستای پسک سفلی از توابع شهرستان خوی گفت: «یک مشکل بزرگ اینجا این است که کودک را به عقد یک پسر در می آورند و بعد از چند سال آن ها زندگی خود را شروع می کنند. دختر ۸ ساله دلش می خواهد کارتون ببیند و بازی کند و نمی تواند همسر داری کند. یک سال که از ازدواج دختر بچه می گذرد با سر کوفت او را برای بارداری تحت فشار می گذارند. اگر چنین کودکی بچه دار بشود آسیب های زیادی به لحاظ روحی و جسمی متحمل می شود.»<sup>۴۴</sup>

در ۱۰ روستای اطراف شهرستان خوی کودک همسری به مرحله بحران رسیده است. ۶۰ تا ۷۰ درصد دختران قبل از اینکه به بلوغ برسند ازدواج می کنند. در ۵۰ روستای دیگر نیز این پدیده رواج دارد.<sup>۴۵</sup> صدرا آقاسی، فعال اجتماعی خوی گفت: «در یکی از روستاهای شهرستان دختر بچه ها از سن ۶ یا ۷ سالگی در مجالس عمومی نمایش داده می شوند. سال گذشته

یک دختر بچه کلاس اولی با صیغه محرمیت نامزد شد. صیغه توسط روحانی روستا و در خانه به صورت غیر رسمی خوانده می شود تا زمانی که دختر بزرگ تر شده و عقد رسمی شود. در بسیاری موارد دختر و پسر، زمانی برای عقد رسمی به دفتر خانه مراجعه کرده اند که بچه داشته اند.»<sup>۴۶</sup>

سعیده بیوه ۱۲ ساله در یکی از روستاهای تربت حیدریه که قربانی ازدواج با مردی ۴۲ ساله شده گفت: «اینجا اگر دختری تحصیلات در مقطع ابتدایی را تمام کند و همچنان مجرد بماند، ننگ به شمار رفته و باعث سرافکنندگی است.»

«آگرین» از روستاهای پاوه در کرمانشاه، نیز قربانی کودک همسری است. هنوز ۱۳ سالش نشده بود که با صیغه محرمیت ازدواج کرد، در ۱۴ سالگی طلاق گرفت و بعد از ازدواج ناکام دوم ۶ سال کولبری کرد. آگرین گفت: «هیچ چیزی از ازدواج نمی دانستم، فکر می کردم فقط قرار است خانه ام عوض شود، توی خانه پدرم همیشه کارهای سخت می کردم؛ نان می پختم، دنبال گله گوسفند بودم و فکر می کردم بعد از عروسی اوضاعم بهتر می شود اما نشد. زندگی برایم غیر قابل تحمل شده بود. بعد از طلاق ده سال در خانه پدری حبس بودم.»<sup>۴۷</sup>

### زایمان های مکرر و فرسودگی جسم کودک مادران

سنت زن ستیزانه ازدواج زودهنگام و کودک همسری آن هم در شرایط عدم دسترسی به امکانات بهداشتی و فرهنگی مناسب باعث می شود که دختران در سن بسیار پایین مادر شده، پشت سر هم زایمان کنند، در جوانی جسمشان فرسوده شده و زندگی به جهنمی برای این کودک مادران تبدیل شود. آنها حتی گاهی تا ۱۲ بار بچه به دنیا می آورند.

در روستای ذلقی از توابع الیگودرز دختران در همان سالهای اول مدرسه ترک تحصیل کرده و به ازدواجی انتخاب نکرده محکوم می شوند. نقش آنها تنها تداوم بقای ایل است. قصه پر درد مادران باردار و دردهای سخت زایمان با ریسک بالا برای سلامت کودک و مادر در دل کوهستان، غمبار است. بارداری در سنین پایین، عدم رعایت فاصله زایمان، عدم دسترسی به مراکز بهداشتی، فاصله زیاد و راه نامناسب در انتقال به

مراکز درمانی، تغذیه نامناسب و... شرایط را به مراتب دشوار می نماید.

در دهستان موهگویی از توابع استان چهار محال و بختیاری به طور تقریبی یک زن طی ۵ سال اول زندگی زناشویی خود ۳ کودک به دنیا می آورد.<sup>۴۸</sup>

### افسردگی پس از زایمان به خودکشی می رسد!

ازدواج زود هنگام دختران یکی از عواملی است که به خودکشی می انجامد. در روستای پسک سفلی از توابع شهرستان خوی، دختر بچه ها در ۸-۷ سالگی نامزد می کنند؛ از ۱۲-۱۱ سالگی به خانه شوهر می روند و معمولاً در ۱۴-۱۳ سالگی اولین زایمان خود را انجام می دهند. اکثر زنان این روستا افسرده هستند و مدتی بعد از ازدواج و زایمان ناچارند به دکتر اعصاب مراجعه کنند. مشکلات پس از زایمان در این سنین گاه به خودکشی می رسد.<sup>۴۹</sup>

مریم ۳۵ ساله یک زن روستایی کرد که دو بار خودکشی ناموفق داشته و به تهران فرار کرده است، گفت: «۱۲ سالم بود که به زور ازدواج کردم. با خانواده شوهرم زندگی می کردیم و من در واقع کلفت آن خانه بودم. از شستن لباسهای پدر و برادران شوهرم تا پخت و پز و... برادر شوهرهایم با کوچکترین بهانه من را می زدند و حمایتی ندارم.»

قربانی دیگر روناک عزیزوند اهل «کانی رش» در ارومیه است. او در ۲۰ آذر ۱۳۹۹ خودسوزی کرد. ۱۴ ساله بود که کتاب و دفترش را گرفتند و او را وادار به عقد مردی از روستای «شکل آباد» کردند. او که یک شبه از دنیای نوجوانی به درون آنچه نمی فهمید پرتاب شده بود از این ظلم و بردگی مدرن، به ستوه آمده بود.<sup>۵۰</sup>

زنان روستاهای «دیشموک» از توابع دهدشت در کهگیلویه و بویراحمد مرگ را بیشتر از زندگی دوست دارند. فریده را در ۱۳ سالگی به مردی دادند که او را نمی شناخت. او در چاه عمیق فقر، از بس هیچ نداشت بخورد دو بار نفت روی خودش ریخت و یک بار خود را به دار آویخت. او هر بار از مرگ نجات یافت اما تا حد مرگ کتک خورد.

## زنان روستایی، محرومترین فقرای شاغل

متأسفانه گنجایش این جزوه جهت بررسی جامع مشکلات زنان روستایی ایران بسیار ناچیز است و پرداختن به تمامی موضوعات میسر نیست. موضوعاتی از قبیل وضعیت دردناک زلزله و سیل زدگان، عدم وجود اولیه‌ترین زیرساخت‌ها برای زندگی، تخریب اکوسیستم و محیط زیست از طریق کارخانه‌های مضر یا انباشت زباله در محل زندگی، تخریب خانه‌های مردم از طرف بنیاد مستضعفان و سایر نهادهای فاسد حکومتی، سد سازی و ساخت و سازهای غیرعلمی در حوزه کشاورزی و زندگی روستاییان توسط سپاه پاسداران، مهاجرت زنان از روستاها و عواقب و تهدیدات آن.

اصلی‌ترین عوامل بخرنج بودن وضعیت زنان روستایی در ایران به دلیل حاکمیت یک نظام زن‌ستیز، فقدان سیاست‌گذاری در اقتصاد کشاورزی، جولان دادن و قدرت داشتن دلال‌های حکومتی و فساد سیستماتیک دولتی است.

در دهه نود میزان فقر مردم دوبرابر شد. طبقه متوسط جامعه از هم پاشید و به خیل طبقه فقیر و پایین‌تر سقوط کرد. همچنین سوء مدیریت و سیاست‌گذاری‌های غلط نهادها و مدیریت منابع آب هر روز زندگی زنان روستایی ایران را به قهقرا برده است. آنان اولین زنان شاغلند که بدون هیچ چشمداشت و مزایایی، به تولید درآمد و خدمت به خانواده مشغولند. این زنان اکنون در چرخه تولید نقش به‌سزایی در درآمد ملی کشور دارند اما رژیم ملایان به آنها هیچ توجهی نمی‌کند.

فساد، دزدی و غارت نهادینه و ضد مردمی که تار و پود این رژیم را فرا گرفته علت پایه‌ای فاجعه فروپاشی اقتصاد ایران و بحران معیشت مردم و زنان روستایی، به‌ویژه در روستاهاست؛ بنابراین خواست و توان حل بنیادین بحران‌ها، مطلقاً در ماهیت این رژیم نیست و نه می‌خواهد و نه می‌تواند از پس حل چالش‌های متعدد و مشکلات عدیده‌ی این فقرای شاغل و زحمتکش، برآید.

در رژیم دیکتاتوری زن‌ستیز ولایت فقیه، برنامه‌ها سالیان سال در حد حرف و طرح روی کاغذ باقیمانده و تنها اقدامی که صورت می‌گیرد بخرنج‌تر و پرمشقت‌بار کردن وضعیت زنان روستایی در ایران است. از این روست که تمامی معضلات این زنان از جمله ورشکستگی آبی در روستاهای کشور همچنان رو به وخامت می‌رود. مقامات و کارگزاران رژیم تنها اشک تمساح می‌ریزند و هیچ اقدام عملی برای بهبود بخشیدن وضعیت انجام نداده و نمی‌دهند. چرا که این همه نیازمند یک دولت مردمی با سیاست‌گذاری دموکراتیک و اصولی و به دور از زن‌ستیزی است که زنان روستا و مسائلشان را درک کند و دردهای طاقت‌فرسای آنها را درمان کند.



## جمعیت زنان روستایی ایران: ۱۰ میلیون

(۱۴.۴ درصد جمعیت ایران)

در استان آذربایجان غربی حدوداً از هر ۱۰۰۰ زن، ۴ نفر، شغلی با منبع درآمد دارند.

1. «تولید ۸۰ درصد محصولات کشاورزی به روش سنتی بر عهده زنان است»- خبرگزاری رسمی ایرنا- ۲۵ مهر ۱۴۰۰
2. همان منبع
3. وبسایت حکومتی معاونت امور زنان و خانواده رژیم- ۲۴ مهر ۱۳۹۹
4. خبرگزاری حکومتی رکنا - ۱۵ مهر ۱۳۹۹
5. «زندگی در جوار کرونا»- خبرگزاری رسمی ایرنا- ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۹
6. خبرگزاری حکومتی جمهوری اسلامی- ۱۲ مهر ۱۳۹۹
7. «حدود ۳۰۰۰ روستا که مجموع جمعیت آن‌ها ۷۰۰ هزار نفر برآورد می‌شود، لوله‌کشی آب ندارند.»- وبسایت ایندیندنت فارسی- ۱۸ شهریور ۱۴۰۰
8. خبرگزاری حکومتی فارس - ۲۰ مرداد ۱۳۹۹
9. «زنان و کودکان کولبران آب؛ داستان هزارها روستای بی آب در ایران»- وبسایت حکومتی همشهری آنلاین- ۱۲ مرداد ۱۴۰۰
10. «کولبری زنان ۲۹۰ روستای بلوچستان برای تامین آب» - خبرگزاری حکومتی رکنا- ۱۵ شهریور ۱۴۰۰
11. «مشکلات آبی روستاهای صیدون در شرایط کرونایی/ قیمت تهیه هر تانکر آب ۱۰۰ هزار تومان/ یک مسئول: بودجه‌ای برای حل مشکل آب نداریم»- خبرگزاری حکومتی ایلنا- ۲۸ فروردین ۱۳۹۹
12. «بار تشنگی روی شانه‌های زنان و کودکان، پای صحبت کولبران آب»- وبسایت حکومتی همشهری- ۱۲ مرداد ۱۴۰۰
13. وبسایت حکومتی همشهری- ۱۲ مرداد ۱۴۰۰
14. «شربت پرتقال به جای آب/ خشکسالی زیر سایه ساحل نیلگون؛ وقتی آب کولر گاهی نجات دهنده است»- خبرگزاری حکومتی برنا- ۲۷ شهریور ۱۴۰۰
15. «روایت ساکنان روستای «سلخ» قشم از سه ماه زیستن با بی آبی» - وبسایت حکومتی سلامت نیوز- ۱۸ شهریور ۱۳۹۹
16. «کولبری آب در!» - وبسایت حکومتی تابناک- ۶ خرداد ۱۴۰۰
17. «کودکان روستای "چریون" این روزها "کولبر آب" شده‌اند»- پایگاه خبری حکومتی قدس آنلاین- ۵ تیر ۱۴۰۰ و «زنان و کودکان کولبران آب؛ داستان هزارها روستای بی آب در ایران»- وبسایت حکومتی همشهری آنلاین- ۱۲ مرداد ۱۴۰۰
18. «زنان "دیشموک" از فقر خودکشی می‌کنند، دختران از ترک تحصیل ۶۰٪ خودکشی در ۴ سال» - خبرگزاری حکومتی ایلنا- ۲۶ بهمن ۱۳۹۹
19. «مشقت زنان روستای سرتنگ فالح بخش سوسن برای تامین آب شرب»- وبسایت حکومتی باشگاه خبرنگاران جوان- ۲۹ شهریور ۱۴۰۰
20. «زنانی که کولبری آب می‌کنند»- خبرگزاری حکومتی ایسنا- ۱۶ دی ۱۳۹۹
21. جامعه‌شناسی کاربردی مقاله ۳، دوره ۳۲، شماره ۱- شماره پیاپی ۸۱، بهار ۱۴۰۰، صفحه ۲۳ تا ۵۸ - وبسایت علمی پژوهشی ژورنالیست

22. «گلایه اهالی برآفتاب از نبود آب آشامیدنی در این روستا»- خبرگزاری حکومتی صدا و سیما خوزستان- ۵ بهمن ۱۳۹۹
23. «زنان روستاهای «دیشموک» دیگر به مرگ فکر نمی‌کنند»- خبرگزاری حکومتی خبر آنلاین- ۲۸ تیر ۱۳۹۹
24. «حدود ۳۰۰۰ روستا که مجموع جمعیت آن‌ها ۷۰۰ هزار نفر برآورد می‌شود، لوله‌کشی آب ندارند»- وبسایت ایندیندنت فارسی- ۱۸ شهریور ۱۴۰۰
25. «زنان روستاهای «دیشموک» دیگر به مرگ فکر نمی‌کنند»- خبرگزاری حکومتی خبر آنلاین- ۲۸ تیر ۱۳۹۹
26. «۲۷ درصد کرونایی‌های بویراحمد زنان روستایی هستند»- خبرگزاری حکومتی تسنیم- ۲۶ اسفند ۱۳۹۹
27. خبرگزاری حکومتی برنا - ۲۷ خرداد ۱۳۹۹
28. «عوارض ثانویه کرونا در روستاهای توریستی»- وبسایت حکومتی دنیای اقتصاد- ۸ خرداد ۱۴۰۰
29. «زنان روستایی اقتصادشان را می‌بافند»- وبسایت حکومتی سلامت نیوز - ۲۰ خرداد ۱۴۰۰
30. «زنان روستایی اقتصادشان را می‌بافند»- وبسایت حکومتی سلامت نیوز - ۲۰ خرداد ۱۴۰۰
31. وبسایت روزنامه حکومتی همشهری- ۲۷ آذر ۱۳۹۸
32. خبرگزاری حکومتی رکنا - ۱۵ مهر ۱۳۹۹
33. خبرگزاری حکومتی رکنا - ۱۵ مهر ۱۳۹۹
34. آخرین آمار بازماندگان از تحصیل در کشور چقدر است؟ - سایت حکومتی تجارت نیوز - ۲۸ مرداد ۱۴۰۲
35. جزئیات یک گزارش تلخ، افزایش ۱۷ درصدی دانش آموزان بازمانده از تحصیل طی ۶ سال - سایت حکومتی خبر آنلاین - ۲۰ اسفند ۱۴۰۱
36. بازماندگان از تحصیل در ایران، از هر ۱۱ دانش آموز دختر یک نفر - مرکز داده‌های باز ایران - ۱۷ اسفند ۱۴۰۱
37. «مقام ایرانی: دختران عشایر آذربایجان غربی به علت ناتوانی در خرید کتاب از تحصیل بازمانده‌اند»- خبرگزاری حکومتی ایلنا- ۱۲ مرداد ۱۴۰۰
38. محمدرضا سیف، مدیرکل دفتر توسعه عدالت آموزشی و آموزش عشایر، خبرگزاری رسمی ایرنا - ۲۱ آبان ۱۴۰۰
39. روزنامه حکومتی اعتماد - ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۲
40. سایت حکومتی تجارت نیوز - ۹ فروردین ۱۴۰۱
41. «زنان "دیشموک" از فقر خودکشی می‌کنند، دختران از ترک تحصیل ۶۰٪ خودکشی در ۴ سال» - خبرگزاری حکومتی ایلنا- ۲۶ بهمن ۱۳۹۹
42. «آرزوهای بر باد رفته دختران مهاجران/ شهری که کودک همسری در آن رواج دارد»- خبرگزاری حکومتی همشهری آنلاین- ۱۲ بهمن ۱۳۹۹
43. «آذربایجان شرقی چنین در رحم مادرش نامزد می‌شود» - وبسایت حکومتی شهروند- ۱۰ شهریور ۱۳۹۹
44. «کودک همسری، تباهی در سایه سنت‌ها» - وبسایت حکومتی اقتصاد - ۳۰-۲۴ مهر ۱۳۹۹
45. «کودک همسری، تباهی در سایه سنت‌ها» - وبسایت حکومتی اقتصاد - ۳۰-۲۴ مهر ۱۳۹۹
46. «کودک همسری، تباهی در سایه سنت‌ها» - وبسایت حکومتی اقتصاد - ۳۰-۲۴ مهر ۱۳۹۹
47. «از ختنه و کودک همسری تا کولبری؛ روایت زندگی زنی در پاره»- وبسایت روزنامه حکومتی همشهری- ۱۶ فروردین ۱۴۰۰
48. «دهستان موگویی؛ از ترک تحصیل تا ازدواج زود هنگام دختران»- خبرگزاری حکومتی ایلنا- ۱۰ شهریور ۱۴۰۰
49. «کودک همسری، تباهی در سایه سنت‌ها» - وبسایت حکومتی اقتصاد - ۳۰-۲۴ مهر ۱۳۹۹
50. «خودسوزی دو دختر نوجوان در روستای های ارومیه؛ روناک و زهرا راهی جز مردن نداشتند»- وبسایت حکومتی حادثه - ۲۶ آذر ۱۳۹۹

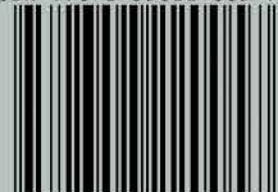


## وضعیت قرون وسطایی، فاجعه‌بار و غیرقابل تصور زنان روستایی در ایران

کمیسیون زنان  
شورای ملی مقاومت ایران

اکتبر ۲۰۲۳

ISBN 978-2-35822-005-7



9 782358 220057 >